فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی(دوره جدید)

شماره ۳۵،
دوره سوم،
سال پنجم،
بهار ۱۴۰۱،
صص ۱-۱۸

بررسی تاثیر هموارسازی سود بر کیفیت افشاگری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

مهدی خداشناس[۱]

چکیده

یکی از اشکال مدیریت سود، هموارسازی سود است که توجه زیادی را در ادبیات حسابداری به خود جلب کرده است. فرضیه هموارسازی سود پیشنهاد می‌کند که سود برای کاهش نوسان‌های آن حول سطحی که برای شرکت نرمال به نظر می‌رسد، به طور آگاهانه دستکاری می‌شود و مدیران در محدوده اصول پذیرفته شده حسابداری از سیاست‌ها و روش‌هایی استفاده می‌کنند که واریانس سود گزارش شده را کاهش دهند. از سوی دیگر سرمایه گذاران برای تصمیمات سرمایه گذاری خود بر اطلاعات مالی افشاء شده در صورت‌های مالی واحدهای اقتصادی خصوصاً سود گزارش شده و بازدهی آنها اتکا می‌کنند که هموار سازی سود می تواند در بلند مدت اعتماد سرمایه گذاران به صورت های مالی و اطلاعات افشاء شده شرکت ها را کاهش دهد و بدنه سرمایه گذاری کشور دچار ضربه بزرگی شود. بنابراین بررسی تاثیر هموارسازی سود بر کیفیت افشاء اطلاعات مالی شرکت ها دارای اهمیت بالایی می باشد. لذا هدف تحقیق حاضر بررسی تاثیر هموارسازی سود بر کیفیت افشاء اطلاعات مالی شرکت ها می باشد. برای نیل به هدف مذکور از داده های شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه ی زمانی سال های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ در قالب مدل رگرسیون پانل دیتا استفاده و نتایج بدست آمده نشان داد که هموارسازی سود بر متغیر کیفیت افشاء اطلاعات مالی در سطح ۹۵٪ تاثیر معناداری دارد.

کلمات کلیدی: کیفیت افشاء اطلاعات، هموارسازی سود، مدیریت سود، پنل دیتا

[۱] کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، واحد خمین، **دانشگاه آزاد اسلامی**، خمین، ایران (m_khodashenas@yahoo.com)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

مقدمه

یکی از اهداف گزارشگری حسابداری، ارائه اطلاعات مفید در مورد عملکرد مالی واحد تجاری برای طیف گسترده ای از استفاده کنندگان است. صورت سود و زیان، یکی از صورت‌های مالی اساسی است که این هدف را برآورده می‌سازد. محصول صورت سود و زیان، سود خالص است و یکی از اطلاعات مالی بسیار مهمی است که توسط سرمایه گذاران و سایر استفاده کنندگان صورت‌های مالی استفاده می‌گردد. عده‌ای معتقدند که سرمایه گذاران برای شرکت‌هایی که دارای سود ثابت و پایدار هستند، ارزش بیشتری قائل می‌شوند، در نتیجه ممکن است مدیران برای افزایش قیمت سهام شرکت خود به مدیریت سود روی آورند. با توجه به اهمیت سود گزارش شده، بر تصمیمات اقتصادی و تخصیص منابع کمیاب، مدیریت سود و کیفیت سودگزارش شده، موضوع بسیاری از تحقیقات حسابداری در طول سه دهه گذشته بوده است. از نظر هیلی و والن (۲۰۰۷) مدیریت سود، استفاده‌ی مدیریت از قضاوت در گزارش دهی مالی و ساختار بندی معاملات، برای اصلاح و تغییر گزارشگری مالی است تا استفاده کنندگان صورت‌های مالی را در مورد عملکرد اقتصادی شرکت گمراه کند و یا بر نتایج معاملاتی که به ارقام حسابداری مثل سود بستگی دارد، تأثیر گذارد.

یکی از اشکال مدیریت سود، هموارسازی سود است که توجه زیادی را در ادبیات حسابداری به خود جلب کرده است. فرضیه هموارسازی سود پیشنهاد می‌کند که سود برای کاهش نوسان‌های آن حول سطحی که برای شرکت نرمال به نظر می‌رسد، به طور آگاهانه دستکاری می‌شود و مدیران در محدوده اصول پذیرفته شده حسابداری از سیاست‌ها و روش‌هایی استفاده می‌کنند که واریانس سود گزارش شده را کاهش دهند(پورحیدری و افلاطونی، ۱۳۸۵).

سرمایه گذاران برای تصمیمات سرمایه گذاری خود بر اطلاعات مالی مندرج در صورت‌های مالی واحدهای اقتصادی خصوصاً سود گزارش شده و بازدهی آنها اتکا می‌کنند. اصولاً سرمایه گذاران معتقدند که سود یکنواخت در مقایسه با سود دارای نوسان، پرداخت سود تقسیمی بالاتری را تضمین می‌کند. هم چنین نوسان‌های سود به عنوان معیار مهم ریسک کلی شرکت قلمداد می‌گردد و واحدهای تجاری با سود هموارتر دارای ریسک کمتری هستند. بنابراین واحدهای تجاری که دارای سود هموارتری هستند، بیشتر مورد علاقه سرمایه گذاران هستند سرمایه گذاری مناسبتری محسوب می‌شوند. این موضوع باعث می‌شود برخی مدیران با روشهای مختلفی مانند تسریع و تأخیر در ارسال کالا و صدور صورتحساب، افزایش و کاهش موجودی در پایان دوره، تغییر روش محاسبه استهلاک و ... اقدام به هموار سازی سود نمایند (پنی ،۲۰۰۹).

هموارسازی سود دست کاری عمدی سود شرکت‌ها می‌باشد و سود نیز مهمترین عامل در اخذ تصمیم سرمایه گذاری توسط سرمایه گذاران می‌باشد. لذا دستکاری و ارائه‌ی روند غیرواقعی از این عامل مهم تصمیم گیری می‌تواند جریانات سرمایه گذاری را از وضعیت بهینه خارج سازد و موجب شود که سودجویی در بورس و به دنبال آن در تخصیص سرمایه

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

که مهمترین وظیفه‌ی بورس می‌باشد افزایش یابد و رفته رفته اعتماد به اطلاعات شرکت‌ها و سرمایه گذاری در بورس دچار ضعف گردد و بدنه‌ی سرمایه‌ی کشور در بلند مدت تضعیف گردد (پنی، ۲۰۰۹).

هموار سازی سود مسئله ایست که بنا به تحقیق صورت گرفته توسط حیدری و همکاران (۱۳۹۱) به شدت در بازار سرمایه‌ی ایران و شرکت‌های حاضر در بورس تهران درحال توسعه می‌باشد. لذا پاسخ به این سؤال که رویه‌ی فوق یعنی هموارسازی سود چه تاثیراتی می‌تواند بر افشای اطلاعات مالی شرکت ها ی پدیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بگذارد می‌تواند عواقب این پدیده را برای دست اندرکاران سرمایه‌ی کشور روشن‌تر سازد. در ادامه به بررسی اجمالی مبانی نظری تحقیق می پردازیم:

مفهوم هموارسازی سود

یکی از مباحث مهم مدیریت سود، هموارسازی سود است. هموارسازی سود عبارت است از اعمال نظر مدیریت شرکت در تقدم و تأخر ثبت حسابداری هزینه‌ها و درآمدها و یا به حساب گرفتن هزینه‌ها یا انتقال انها به سال‌های بعد به طوری که باعث شود شرکت در طول چند سال مالی متوالی از روند سود بدون تغییرات عمده برخوردار باشد. هدف مدیریت این است که شرکت را در نظر سرمایه‌گذاران و بازار سرمایه با ثبات و پویا نشان دهد. تعاریف متفاوت و تقریباً مشابهی از هموارسازی سود به شرح ذیل ارائه شده است:

۱- هموارسازی سود، فرآیند دستکاری سود در زمان شناسایی درآمدها یا درآمد گزارش شده است، تا جریان سود گزارش شده تغییر کمی داشته باشد. مادامی که درآمد گزارش شده را در بلندمدت افزایش ندهد. (فدنبرگ و تیرول[1] ۱۹۹۵).

۲- هموار سازی سود که نوعی دستکاری حساب تلقی می‌شود به‌منظور ایجاد نرخ رشد ثابت سود و شرکت‌ها از طریق ایجاد فرآیندی تنظیم جریان سود را در مسیر کاهش انحراف آن انجام می‌دهند (رودین[2] ۲۰۰۰).

۳- اکثرمحققین براین باورند که انحراف سود با ریسک مرتبط بوده و اگر انحرافی در سود ایجاد شود برداشت سهامداران از ریسک شرکت متفاوت خواهد بود, محققین از سال ۱۹٦۸ تا سال ۱۹۸۷ در تحقیقات خود مفاهیم متفاوتی را ارائه نموده‌اند که همگی در یک تعریف مشترک بوده‌اند.

"نوسانات عمده سود از یک عمل عمدی مدیریت که در جهت اهداف ذهنی مدیریت انجام می‌پذیرد."

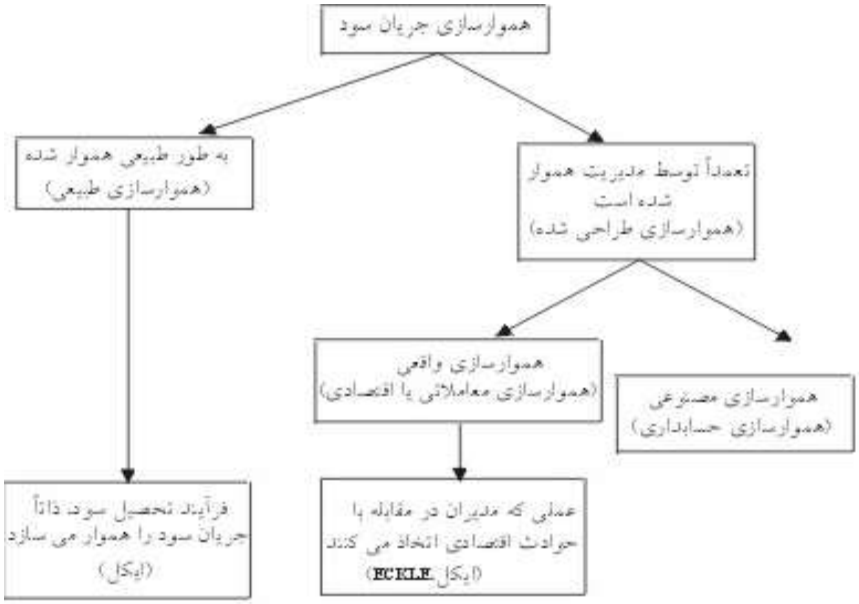
انواع هموارسازی سود

انواع هموارسازی سود در نمودار زیر ارائه گردیده است. آناند[3](۲۰۰۷) و تاکور[4](۲۰۰۵) می گویند که هموارسازی واقعی همراه با تصمیماتی است که بر توزیع وجوه نقد شرکت تأثیر می‌گذارند و باعث از بین رفتن ارزش شرکت می‌شوند. تغییر در زمان سرمایه گذاری وقتی سود به طور مصنوعی هموار شده جریانات نقدی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. این نوع

[1] -Feldenberg & Tirole
[2] -Rodin
[3] -Anand
[4] -Takor

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

هموارسازی با استفاده از انعطاف پذیری گزارشگری به دست می‌آید که توسط، قوانین عام پذیرفته شده‌ی حسابداری (GAAP[1]) فراهم شده است.



نمودار ۱- انواع هموارسازی سود

داس چر و مالکوم[2](۱۹۷۰) وجه تمایز بین هموارسازی واقعی و مصنوعی را بدین صورت بیان کردند چنانچه یک معامله واقعی بدون درنظر گرفتن تأثیر آن بر هموارسازی سود انجام شود، در آن صورت هموارسازی واقعی بوده است درحالی که هموارسازی سود به فرایند حسابداری اطلاق می‌شود که باعث انتقال هزینه و یا درآمد از یک دوره به دوره دیگر می‌گردد. هموارسازی مصنوعی هنگامی حاصل می‌شود که مدیران قدرت تصمیم گیری دارند مثلاً پروژه تحقیقاتی سرمایه‌ای شود یا عمر مفید و الگوی تخصیص آن طی عمر مفید تغییر کند (اسپینوزا[3] ۲۰۰۷).

محققان متعددی سعی بر تفکیک اثرات سه نوع هموارسازی از یکدیگر داشتند اما نتیجه تحقیقات آنان نشان می‌دهد که تفکیک اثرات سه نوع هموارسازی از یکدیگر امکان پذیر نیست و فرایند هموارسازی سود ناشی از اثرات هر سه نوع هموارسازی است. آنچه در مطالعات انجام شده بیشتر مورد توجه قرار گرفته، هموارسازی مصنوعی بوده است و شاخص‌های ارائه شده برای تعیین هموارسازی نیز بر این نوع هموارسازی تمرکز دارند (شریفی، ۱۳۹۲).

مدل «روزن بوم»[4]، «ون در گوت»[5] و «مرتنز»[6] هموارسازی سود یک استراتژی بلندمدت است که مدیران شرکت‌ها برای کاستن از نوسانات سود گزارش شده اتخاذ می‌کنند. برای هموارسازی سود باید ابزارهای متعددی را به خدمت گرفت. به

[1] -GENERAL ACCEPTED ACCOUNTING PRINCIPLE
[2] -DASCHER & MALCOM
[3] -Espinosa
[4] -Rosen bom
[5] -Van Der Got
[6]- Mertner

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

همین خاطر توانایی مدیریت برای هموارسازی سود را می‌توان با ابزارهایی که برای هموارسازی سود به کار گرفته اندازه گیری کرد (اسپینوزا، ۲۰۰۷).

روش شناسی آنها تغییرات وجوه نقد عملیاتی را با سود عملیاتی مقایسه می‌کند. یادآور می‌شود که وجوه نقد ناشی از عملیات کمتر موضوع دستکاری حسابداری است تا سود عملیاتی. مدیریت با انتخاب آزادانه اصولی از GAAP، وجوه نقد ناشی از عملیات را به سختی می‌تواند تحت تأثیر این انتخابها قرار دهد. میلک و جیاکومینو[1](۱۹۹۳) می گویند که محاسبه و استفاده از وجوه نقد ناشی از عملیات، تحریف‌ها را حذف می‌کند. باتوجه به اینکه شرکت‌ها از روش‌های مختلف استهلاک استفاده کرده و عمر مفید متفاوتی برای دارائی‌ها قائل می‌شوند وجوه نقد ناشی از عملیات، این نقایص مقایسه سود شرکت‌ها را حذف می‌کند. راپاپورت[2](۱۹۹۸) نیز با نظر آنان موافق بوده و عقیده دارد که روش‌های حسابداری، وجوه نقد ناشی از عملیات را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد (اسپینوزا، ۲۰۰۷).

شفافیت سود حسابداری

بوشمن و همکاران[3](۲۰۰٤) شفافیت اطلاعات شرکت را وضعیتی می‌دانند که اطلاعات به طور گسترده‌ای در دسترس، مربوط، قابل اتکا، با کیفیت، جامع و به موقوع باشد. آکسا[4](۲۰۰٦) به دنبال تعریف استاندارد اند پورز[5]شفافیت را به موقع بودن و کفایت افشای کارکردهای مالی و عملیاتی شرکت می‌داند. بارت و همکاران[6](۲۰۰۸) شفافیت سود را تغییر هم زمان سود و تغییر در سودآوری با بازده سهام تعریف کرده‌اند از نظر براون و همکاران[7](۲۰۰۹) بهترین تعریف شفافیت در حوزه تجاری عبارت است از صورت‌های مالی با کیفیت همچنین نیلسن و همکاران[8](۲۰۰۹) در باره شفافیت بر این باورندکه استفاده کننده اطلاعات در هر زمانی به همه چیز واقف است و او بر اساس اطلاعات شفاف می‌تواند هر موضوعی را مورد بررسی قرار دهد.

مطالعات معدودی در زمینه ی هموارسازی سود و کیفیت افشاء اطلاعات انجام شده است، از جمله، پینگ سان[9](۲۰۱۲) در تحقیقی ارتباط هموارسازی سود را با بازده سرمایه و دارایی و قیمت سهام بررسی نمود. وی ۲۱۱ شرکت را به عنوان نمونه انتخاب و اطلاعاتی مانند سود ویژه، حقوق صاحبان سهام، دارایی ها و قیمت سهام را به عنوان اطلاعات اصلی لازم در طی سال های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۸ گرد آوری نمود. این محقق در نهایت به ارتباط معنی دار منفی بین بازده سرمایه و دارایی با هموارسازی سود دست یافتند . نتایج بیانگر آن است که داشتن سود با ثبات و هموارتر با در نظر گرفتن نرخ رشد سود شرکت سبب افزایش رضایت سهامداران و سبب کاهش ریسک سرمایه گذاری در شرکت و باعث افزیش قیمت سهام می گردد

[1] -MIELKE & GIACOMINO
[2] -Rappaport
[3]- Bushman, et al
[4]- Aksu
[5]- Standard and poors
[6] -Barth, et al
[7] -Brown, et al
[8] -Nielsen, et al
[9] Ping san

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

الیوت و همکاران[1](۲۰۱۰) به بررسی تأثیر شفافیت حسابداری بر انتظار قیمت گذاری نادرست تحلیل گران پرداختند. آن‌ها شواهدی تجربی و نظری فراهم کردند که نشان می‌دهد ویژگی‌های سرمایه گذاران نهادی شرکت می‌تواند منجر به افزایش شفافیت حسابداری شده و انتظارات سرمایه گذاران حرفه‌ای را تحریک کند. نتایج آنها نشان می‌دهد که انتظارات تحلیل‌گران متأثر از شفافیت سود حسابداری است. همچنین شفافیت بیشتر صورت‌های مالی نه تنها انتظار قیمت گذاری نادرست را کاهش می‌دهد، بلکه انتظار قیمت گذاری نادرست را تحریک می‌کند.

آسومن[2](۲۰۰۹) در مقاله‌ای با نام تحلیل هموارسازی سود بر مبنای بازار، رابطه بین هموارسازی سود را با نسبت پوشش بهره، نسبت بدهی و عملکرد را مورد آزمون قرار داد. نتیجه حاصله آنها بدین ترتیب است که شرکت‌هایی که هموارسازی سود را انجام می‌دهند، بتای پایین‌تر و ارزش ویژه بیشتری دارند. وی نرخ بازگشت پایین‌تر، ریسک کمتر و نسبت پوشش بهره و بازده حقوق صاحبان سهام کمتر را از ویژگی‌های شرکت‌های هموارساز اظهار نمودند. این موضوع نمایانگر این مطلب است که هموارسازی سود، ریسک پیش بینی و واقعی را کاهش می‌دهد.

پینگ سان[3](۲۰۰۹) در تحقیقی ارتباط هموارسازی سود را با بازده سرمایه و دارایی و قیمت سهام بررسی نمود. وی ۵۰۰ شرکت را به عنوان نمونه انتخاب و اطلاعاتی مانند سود ویژه، حقوق صاحبان سهام، دارایی‌ها و قیمت سهام را به عنوان اطلاعات اصلی لازم در طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ گرد آوری نمودند. این محقق در نهایت به ارتباط معنی دار منفی بین بازده سرمایه و دارایی با هموارسازی سود دست یافتند. نتایج بیانگر آن است که داشتن سود با ثبات و هموارتر با در نظر گرفتن نرخ رشد سود شرکت سبب افزایش رضایت سهامداران و سبب کاهش ریسک سرمایه گذاری در شرکت و باعث افزیش قیمت سهام می‌گردد.

هانگ و دیگران (۲۰۰۹) اثر بالقوه هموارسازی مصنوعی و هموارسازی واقعی را بر ارزش شرکت بررسی کردند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که ارزش شرکت با بیشتر شدن هموارسازی مصنوعی کاهش و با افزایش هموارسازی واقعی افزایش می‌یابد. آن‌ها بیان کردند که شرکت‌ها می‌توانند با هموارسازی واقعی آگاهی بخشی سود شرکت را افزایش دهند و هزینه‌های نمایندگی شرکت را کاهش دهند.

کرمی و همکاران (۱۳۹۵)، نیز رابطه میان مدیریت سود واقعی و مدیریت سود حسابداری را به منظور هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آن‌ها حاکی از آن بود که تصمیمات دستکاری فعالیت‌های واقعی و اقلام تعهدی به طور همزمان اتخاذ می‌شود و این دو راهکار به طور مکمل مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بهار مقدم و حسنی فرد (۱۳۹٤)، رابطه بین دستکاری اقلام واقعی و تعهدی را در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نمایانگر وجود رابطه منفی معنی‌داری بین دستکاری اقلام تعهدی

1- Elliott, et al.
2- Asuman
3- Pinghsun

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

با وجوه نقد عملیاتی و تغییرات موجودی کالا بود. به عبارت دیگر بین دستکاری اقلام تعهدی و اقلام واقعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

کردلر و اعرابی (۱۳۹٤) تحقیقی را باعنوان تمرکز مالکیت و کیفیت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام دادند. در این مطالعه، رابطه بین تمرکز مالکیت و کیفیت سود در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از تعداد ۱٤۸ شرکت نمونه در دوره زمانی ۱۳۸۸– ۱۳۹۲ بررسی شده است. نویسندگان مختلف در تحقیقات خود در این زمینه تاکنون به نتایج متناقضی مبنی بر رابطه این دو متغیر دست یافته اند. شاید یکی از اصلی ترین دلایل دستیابی به این نتایج متناقض، توجه نکردن به روابط متقابل بین بلوک داران و در نتیجه به کارگیری معیارهای نامناسب تمرکز مالکیت باشد. در این تحقیق، ابتدا با به کارگیری روشی جدید به بررسی تناسب به کارگیری معیارهای مختلف تمرکز مالکیت پرداخته شد و نتایج حاصل مبین آن است که استفاده از معیار گروهی تمرکز مالکیت برون سازمانی در بررسی تأثیر آن بر کیفیت سود در بورس اوراق بهادار تهران مناسب است. سپس، به منظور بررسی تأثیر تمرکز مالکیت بر کیفیت سود از معیارهای کیفی اطلاعات مالی مندرج در چهارچوب نظری استانداردهای حسابداری(مربوط بودن و قابل اتکا بودن) بهره گرفتیم. نتایج تحقیق نشان داد که تمرکز مالکیت برون سازمانی به بهبود کیفیت سود منجر می شود (تأیید فرضیه نظارت فعال)، در حالی که به شواهد قانع کننده ای در ارتباط با تأثیرگذاری بلوک داران درون سازمانی بر کیفیت سود دست نیافتیم.

با توجه به آنچه که گفته شد، در این تحقیق در پی آنیم تاثیراتی را که هموارسازی سود بر کیفیت افشاء اطلاعات مالی شرکت ها دارد را مورد بررسی قرار دهیم. بر این اساس فرضیه تحقیق با توجه به موضوع تحقیق عبارت است از:

هموارسازی سود بر کفیت افشاء اطلاعات مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد.

روش تحقیق

این تحقیق ازنظر هدف، تحقیقی کاربردی است زیرا به بررسی تأثیر هموار سازی سود بر کیفیت افشاگری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. همچنین تحقیق حاضر از نظر نوع تحقیق از تحقیقات تجربی به‌شمار می‌رود.

جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نمونه آماری از بین شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران به روش غربالگری در دوره زمانی ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۳ انتخاب شده‌اند. شرایط انتخاب شرکت‌ها به زیر می‌باشد

- پایان سال مالی شرکت‌ها ۲۹ اسفند باشد.
- داده‌های شرکت‌ها قابل دسترس باشد.
- جزء شرکت‌های واسطه گری و مالی نباشند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

- شرکت‌ها بین سال‌های ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۳ فعالیت داشته باشند.
- شرکت‌ها در طی سال‌های ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۳ تغییر سال مالی نداشته باشند.

که با توجه به شرایط فوق تعداد ۱۰۹ شرکت انتخاب گردید.

با توجه به ماهیت داده های تحقیق یعنی پانل بودن داده ها برای بررسی فرضیات از مدل رگرسیون پانل دیتا استفاده خواهیم نمود.

یافته ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش پانل دیتا صورت می‌گیرد و دلیل انتخاب روش پانل دیتا نیز وجود مقطع و سری زمانی است که مقاطع شرکت‌ها و سری زمانی محدوده (۱۳۹۳–۱۳۸۸) است. با توجه به اینکه در تحقیق حاضر چند شرکت مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد که دارای تفاوت‌هایی در زمینه‌های مختلف هستند از این‌رو ناهمسانی زیادی بین داده‌های این شرکت‌ها وجود دارد که با استفاده از تخمین‌زن‌های پیشرفته‌تری که در محیط کار با پانل وجود دارد مشکل ساز نخواهد بود. در ابتدای امر بایستی جهت انتخاب پول یا پانل از آزمون معنی‌دار بودن گروه شرکت‌های منتخب، از آماره **F** استفاده می‌گردد که چنانچه اثرات گروه پذیرفته شود بایستی عرض از مبداهای مختلفی را در برآورد لحاظ نمود یعنی روش پانل بایست مورد استفاده قرار گیرد .

با توجه به اینکه در روش پانل دیتا با دو مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی روبرو هستیم برای انتخاب مدل مناسب از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. که بر اساس آماره کای–دو اندازه‌گیری می‌شود که پس از انطباق با مقدار جدول مدل مناسب انتخاب می‌گردد.

به کار بردن داده‌های تابلویی مزیت‌هایی دارد که آن را از روش‌های دیگر متمایز می‌سازد. در زیر به چند مورد از این مزیت‌ها اشاره می‌شود

۱) داده‌های مقطعی صرف و سری زمانی صرف، ناهمگنی فردی[1]را لحاظ نمی‌کنند. لذا ممکن است که تخمین‌های تورش‌داری به دست دهند، در حالی با استفاده از داده‌های تابلویی می‌توان با لحاظ کردن متغیرهای ویژه فردی[2]این ناهمگنی‌ها را لحاظ نمود.

۲) داده‌های تابلویی دارای اطلاعات بیشتر، تغییر پذیری بیشتر، هم‌خطی کمتر، درجه آزادی بالاتر و کارایی بالاتر نسبت به سری زمانی و داده‌های مقطعی هستند. به خصوص اینکه یکی از روش‌های کاهش هم‌خطی، ترکیب داده‌های مقطعی و سری زمانی بصورت پانل است.

در محاسبه واریانس جامعه با توجه به مشاهدات مربوط به سری زمانی، واریانس بدست آمده از مشاهدات بر تعداد داده‌ها منهای تعداد پارامترها تقسیم می‌شود.

[1]. Individual Heterogeneity
[2]. Individual Specific

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

$$\hat{\delta}_t^2 = \frac{\hat{u}'\hat{u}}{n-k}$$

در حالی‌که در داده‌های تلفیقی داریم

$$\hat{\delta}_t^2 = \frac{\hat{u}'\hat{u}}{nt-n-k}$$

که در این حالت معمولاً مخرج بزرگتر شده و بنابراین واریانس محاسبه شده کوچکتر از واریانس بدست آمده از داده‌های سری زمانی صرف می‌باشد و بنابراین کارایی تخمین افزایش می‌یابد.

مدل تحقیق

به منظور بررسی فرضیه تحقیق که بیان می دارد، هموارسازی سود تاثیر معنی داری بر کیفیت افشای اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد مدل زیر را برآورد می نمائیم:

$$DIS_{it} = \beta_0 + \beta_1 PS_{it} + \beta_2 DEB_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \gamma_{it}$$

که در آن:

DIS_{it}: متغیر وابسته کیفیت افشای اطلاعات مالی می باشد. جهت اندازه گیری و رتبه بندی شرکت‌ها از لحاظ اطلاع رسانی، از امتیازاتی که سازمان بورس اوراق بهادار تهران با توجه به ماده‌ی پنجم آیین نامه افشای اطلاعات جهت رتبه بندی شرکت‌ها از لحاظ اطلاع رسانی اریه می‌دهد، استفاده شده است. برای امتیاز دهی و در نهایت رتبه بندی شرکت‌ها از لحاظ اطلاع رسانی و شفافیت اطلاعات، از دو عامل سرعت اطلاع رسانی و دقت اطلاع رسانی به شرح زیر استفاده می‌شود.

طبق مقررات بورس اوراق بهادار، اطلاعات مورد نیاز شرکت‌های تولیدی مشتمل بر، پیش بینی در آمد هر سهم شامل پیش بینی ۳،٦،۹ و ۱۲ ماهانه و اطلاعات میان دوره‌ای صورت‌های مالی شامل ۱۲،۹،٦،۳ ماهانه حسابرسی نشده و ٦ ماهه حسابداری شده می‌باشد. بر اساس آیین نامه موجود، اطلاع رسانی جهت اطلاعات میان دوره‌ای حسابرسی نشده ۹،٦،۳ ماهه ۳۰ روز و اطلاعات میان دوره‌ای ٦ ماهه‌ی حسابرسی شده و ۱۲ ماهه حسابرسی نشده ٤٥ روز می‌باشد (دستور العمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان بورس،۱۳۸٤)

PS_{it} : متغیر مستقل هموارسازی سود که به صورت زیر بدست می آید:

برای مشخص کردن شرکت‌های هموارساز و غیرهموارساز سود از شاخص ایکل استفاده می‌شود. از این شاخص اولین بار شخصی بنام ایم هوف (۱۹۸۱) استفاده کرد. ایم هوف در پژوهشی که انجام داده بود بیان کرد زمانی که تغییرپذیری سود نسبت به تغییرپذیری درآمدها (فروش) کمتر است، هموارسازی رخ داده است. در شاخص ایکل شرکتی بعنوان هموارساز سود معرفی می‌شود که ضریب تغییرات سود به ضریب تغییرات درآمدهای (فروش) آن کوچکتر از ۱ باشد. به عبارت دیگر:

$$\frac{CV\ \Delta I}{CV\ \Delta S} < 1$$

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

$CV\ \Delta I$ ضریب تغییرات سود که برابر است با انحراف معیار تقسیم بر میانگین سود. ضریب تغییرات سود برای شرکت i در دوره t از طریق تقسیم انحراف معیار سود دوره‌های t و t-1 بر میانگین سود دوره‌های t و t-1 بدست می‌آید.

$CV\ \Delta S$ ضریب تغییرات فروش که برابر است با انحراف معیار تقسیم بر میانگین فروش. ضریب تغییرات فروش برای شرکت i در دوره‌ی t از طریق تقسیم انحراف معیار فروش دوره‌های t و t-1 بر میانگین فروش دوره‌های t و t-1 بدست می‌آید.

متغیرهای کنترلی نیز عبارتند از:

DEB_{it} نسبت بدهی (کل بدهی‌ها به کل دارایی‌های شرکت).

$SIZE_{it}$ اندازه شرکت (لگاریتم جمع کل دارایی‌های شرکت).

و در نهایت

γ_{it} پسماندهای مدل‌ها می‌باشد.

آزمون ریشه واحد پانلی

آزمون ریشه واحد یکی از معمول‌ترین آزمون‌هایی است که امروزه برای تشخیص ایستایی متغیرها مورد استفاده قرار می‌گیرد. اساس آزمون ریشه واحد بر این منطق استوار است که وقتی در یک فرآیند خود رگرسیونی، $b=1$ باشد در آن صورت متغیر Y_t دارای یک ریشه واحد است و این نمونه‌ای از یک متغیر غیر ایستا است. در چنین شرایطی جهت ایستا نمودن متغیرها معمولا از تکنیک تفاضل‌گیری استفاده می‌شود. $(\Delta y_t = y_t - y_{t-1})$ یعنی به جای استفاده از سری زمانی در سطح از تفاضل آن استفاده می‌شود. حال اگر یک متغیر بعد از یک بار تفاضل گرفتن ایستا شود، انباشته از مرتبه اول است. به طور کلی اگر یک متغیر بعد از d بار تفاضل‌گیری ایستا گردد انباشته از درجه d است. لذا پیش از برآورد مدل تحقیق، لازم است مانایی تمام متغیّرهای مورد استفاده در تخمین‌ها، مورد آزمون قرار گیرد. در تحقیق حاضر برای بررسی مانایی متغیرهای تحقیق از آزمون لوین، لین و چو استفاده شده است که نتایج آزمون در جدول زیر ارائه شده است:

جدول۱– آزمون ریشه واحد پانلی لوین، لین، چو

متغیر	آماره ی لوین، لین،چو	ارزش احتمال	نتیجه
DIS_{it}	-۱۱۱,٦٤٣	۰,۰۰۰	مانا در سطح
STO_{it}	-۱۹,٦۲۷	۰,۰۰۰	مانا در سطح
DEB_{it}	۱۰,۸۷۳	۰,۰۰۰	مانا در سطح
$SIZE_{it}$	۱۸,۷۱۰	۰,۰۰۰	مانا در سطح

منبع: محاسبات تحقیق

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

همانگونه که مشاهده می شود فرض صفر آزمون لوین، لین و چو مبنی بر عدم مانایی برای تمام متغیرها در سطح احتمال۹۵٪ رد شده است. لذا تمام متغیرها در سطح مانا می باشند.

آزمون های تشخیص مدل

- **آزمون چاو(F لیمر)**

در برآورد مدل پانل دیتا با دو حالت کلی روبرو هستیم. حالت اول این است که عرض از مبدأ برای کلیه مقاطع یکسان است که در این صورت با مدل پول دیتا (pool data) مواجه هسیم. حالت دوم عرض از مبدأ برای تمام مقاطع متفاوت است که به این حالت پانل دیتا (panel data) گفته می‌شود. برای تعیین روش به کارگیری داده‌های ترکیبی و تشخیص همگن یا نا همگن بودن آن‌ها از آزمون چاو و آماره‌ی F لیمر استفاده می‌شود. فرضیه‌های آماری این آزمون به شرح زیر است:

H_0 = Pooled Data

H_1 = Panel Data

لذا در صورت رد فرضیه‌ی صفر باید از تکنیک پنل دیتا استفاده نمود.

با کمک نرم افزار Eviews آزمون چاو را انجام می‌دهیم که نتایج به صورت جدول زیر می‌باشد:

جدول۲- آزمون چاو

آزمون اثر	آماره	ارزش احتمال
آماره F مقاطع	٦,٨٤١	۰,۰۰
آماره کای دو مقاطع	٣٧,٨٤٦	۰,۰۰
آماره F دوره ها	٤٤,۰٨٦	۰,۰۰
آماره کای دو دوره ها	٥٣,٧٤۰	۰,۰۰
آماره F نسبت مقاطع به دوره ها	٩,٦٦٧	۰,۰۰
آماره کای دو نسبت مقاطع به دوره ها	٤١,٢۰٩	۰,۰۰

منبع: نتایج تحقیق

مقدار ارزش احتمال نشان دهنده‌ی رد فرضیه‌ی صفر مبنی بر استفاده از مدل پولینگ می‌باشد. بنابراین می‌توان از مدل پانل دیتا استفاده نمود.

- **آزمون هاسمن**

به طور کلی دو دسته از رهیافت‌های برآورد کننده پنل در تحقیقات مالی کاربرد دارد که عبارت‌اند از: مدل های اثرات ثابت و مدل های اثرات تصادفی. ساده‌ترین نوع مدل اثرات ثابت بیانگر این مفهوم است که عرض از مبدا مدل رگرسیون

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

به صورت مقطعی متفاوت بوده اما در طول زمان اینگونه نیست، در حالی که تمام برآوردهای شیب هم به صورت مقطعی و هم در طول زمان ثابت است.

روش جایگزین دیگری که برای مدل اثرات ثابت وجود دارد، مدل اثرات تصادفی است که در بسیاری از موارد با نام مدل مولفه های خطا شناخته می‌شود. همانند روش اثرات ثابت، رهیافت اثرات تصادفی ارائه دهنده‌ی اجزا عرض از مبدا متفاوت برای هر نهاده بوده و اینکه این عرض از مبدا ها در طول زمان ثابت است. همچنین فرض می‌شود که روابط بین متغییرهای توضیحی و توضیح داده شده به صورت مقطعی و به طور موقت همانند و یکسان باشد.

اما تفاوت این است که بر اساس مدل اثرات تصادفی، فرض می‌شود که عرض از مبدا ها برای هر واحد مقطعی، ناشی از یک عرض از مبدا مشترک یعنی α به علاوه یک متغییر تصادفی ε است که به صورت مقطعی تغییر نموده اما در طول زمان ثابت است. ε انحرافات تصادفی هر جزء عرض از مبدا ها را از عرض از مبدا کلی یعنی α نشان می‌دهد.

آزمونی که برای تشخیص مدل مناسب از جهت اثرات ثابت و تصادفی کاربرد زیادی دارد، آزمون هاسمن می‌باشد که در جدول زیر قابل مشاهده می‌باشد:

جدول۳- آزمون هاسمن

آماره X^2	ارزش احتمال	نوع اثر
۱۱,۵۷۳	۰,۰۰۰	اثر ثابت

منبع: نتایج تحقیق

نتیجه‌ی آزمون هاسمن دلالت بر رد فرض صفر مبنی بر مناسب بودن اثرات تصادفی دارد و لذا باید از مدل اثرات ثابت برای تخمین استفاده کرد.

- **آزمون پسران(استقلال مقطعی پسماندها)**

یک فرض استاندارد در مدل های پانل دیتا این است که جملات پسماند در میان مقاطع از یکدیگر مستقل هستند. وابستگی مقطعی می‌تواند منجر به تورش در نتایج آزمون‌ها گردد. جهت آزمون اینکه پسماندها در میان مقاطع همبسته هستند یا خیر از آزمون استقلال مقطعی پسران استفاده می‌گردد.

نتایج آزمون پسران برای بررسی همبستگی پسماندها بین مقاطع به صورت زیر ارائه می‌شود:

جدول ٤- آزمون پسران

آماره ی پسران	ارزش احتمال
۰,٤٥١	۰,۳٤۷

منبع: نتایج تحقیق

فرض صفر آزمون پسران رد نمی‌شود، در نتیجه پسماندها در میان مقاطع همبستگی ندارند و مقاطع وابستگی ندارند.

تخمین مدل

فرضیه تحقیق به صورت فرضیات صفر و یک قابل ارائه می باشد:

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

H_0: هموارسازی سود تاثیر معنی داری بر کیفیت افشای اطلاعات مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ندارد.

H_1: هموارسازی سود تاثیر معنی داری بر کیفیت افشای اطلاعات مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد.

با توجه به آزمون‌های F لیمر و هاسمن مدل دوم را با اثرات ثابت و با روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS[1]) در چارچوب رگرسیون‌های مقطعی وزنی و با در نظر گرفتن اثرات ثابت برآورد می‌کنیم تا هم خطی بین جملات پسماند کنترل شود.

جدول ۵- نتایج تخمین مدل

متغییر	ضریب	مقدار آماره t	ارزش احتمال
C	۸,۷۸۸	۲٤,۳۸۰	۰,۰۰۰
PS_{it}	-۰,۳۷٦	-٤,۸٦٥	۰,۰۰۰
DEB_{it}	۰,۱۷۷	۱,٤٥۱	۰,۲٦۹
$SIZE_{it}$	۱,۸٤۱	٦,٤۷٥	۰,۰۰۰
آماره ی F= ۹۳,٦٦۷	ارزش احتمال آماره‌ی F=۰,۰۰۰	R^2=0.779	آماره ی دوربین واتسون= ۱,۸٦۱

منبع: نتایج تحقیق

نتایج نشان می دهد:

هموارسازی سود تاثیر معناداری بر کیفیت افشاء اطلاعات در سطح ۹۵٪ دارد و علامت منفی ضریب نیز نشان دهنده ی رابطه ی معکوس هموارسازی سود با کیفیت افشاء اطلاعات می باشد و افزایش هموارسازی نشان دهنده ی کاهش کیفیت افشاء اطلاعات می باشد.

نسبت بدهی رابطه معنی داری با کیفیت افشاء اطلاعات ندارد، به عبارتی نمی توان در سطح ۹۵٪ فرض صفر مبنی بر معنی دار نبودن تاثیر نسبت بدهی بر کیفیت افشاء اطلاعات را رد نمود.

اندازه ی شرکت دارای رابطه مثبت و معنی داری با کیفیت افشاء اطلاعات می باشد و می توان در سطح احتمال ۹۵٪ تاثیر اندازه ی شرکت بر کیفیت افشاء اطلاعات را پذیرفت. همچنین علامت مثبت ضریب نشان دهنده ی رابطه ی مستقیم بین دو متغیر می باشد و با افزایش اندازه ی شرکت‌ها شاهد افزایش کیفیت افشاء اطلاعات آنها خواهیم بود.

همانطورکه در جدول مشاهده می‌شود، مقدار R^2، ۰/۷۷۹ بدست آمده است، بنابراین، مدل ارائه شده از قدرت توضیح دهندگی بالایی برخوردار است و آماره ی F آزمون صفر بودن تمام ضرایب مدل برآورد شده در سطح ۹۹٪ معنادار می باشد که صحت مدل برازش شده را تایید می کند. آماره ی دوربین واتسون نیز عدم خودهمبستگی بین خطاها را تایید می کند.

[1] . Generalized Least Square

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

با افزایش حساب‌های دریافتنی شاهد افزایش دوره‌ی گردش حساب‌های دریافتنی و کاهش عملکرد مالی شرکت‌ها خواهیم بود. در نتیجه افزایش مطالبات و حساب‌های دریافتنی از بعد مقداری و زمانی عملکرد مالی شرکت‌های حاضر در بورس اوراق بهادار تهران را کاهش می‌دهد.

آزمون‌های صحت برازش مدل

جهت بررسی صحت استفاده از متغیرهای این تحقیق در رگرسیون حداقل مربعات باید فروض کلاسیک رگرسیون حداقل مربعات برای پسماندهای مدل برازش شده تامین شود. بدین منظور در ادامه فروض کلاسیک حداقل مربعات را بررسی می کنیم.

- **نرمال بودن پسماندها**

یکی از متداول ترین آزمون‌های بکار رفته به منظور نرمالیتی آزمون جارک-برا یا به اختصار BJ می باشد. این آزمون ویژگی متغییر تصادفی که به صورت نرمال توزیع شده است را مورد استفاده قرار می دهد که کل توزیع بوسیله ی دو گشتاور اول یعنی میانگین و واریانس توصیف می شود. سومین و چهارمین گشتاور استاندارد شده یک توزیع به عنوان چولگی و کشیدگی شناخته می شود. چولگی معیاری است مبنی بر اینکه یک توزیع پیرامون میانگینش متقارن نیست و کشیدگی معیاری برای توپری و دنباله‌های توزیع است. یک توزیع نرمال چوله نبوده و کشیدگی برابر با ۳ دارد. همچنین می توان ضریبی را برای کشیدگی مازاد تعریف نمود که برابر با ضریب کشیدگی منهای ۳ می باشد. بطوریکه یک توزیع نرمال ضریب کشیدگی مازادی برابر با صفر دارد. یک توزیع نرمال به صورت متقارن و میانه ی پهنا است.

جدول زیر نتایج آزمون نرمالیته پسماندها برای مدل را نشان می دهد:

جدول ٦- نتایج آزمون جارک-برا

مدل تحقیق	آماره ی جارک-برا	ارزش احتمال	نتیجه
مدل دوم	۰,۷۱۱	۰,۷۱۷	نرمال

منبع: محاسبات تحقیق

فرض صفر آزمون جارک-برا دلالت بر نرمال بودن پسماندهای مدل دارد و لذا ارزش احتمال آزمون باید بیش از ۰,۰۵ باشد تا نرمال بودن پسماندها در سطح ۹۵٪ تایید شود. نتایج آزمون نشان دهنده ی تایید فرض صفر و نرمال بودن پسماندهای هر سه مدل می باشد.

- **خودهمبستگی**

در تحقیق حاضر برای بررسی خودهمبستگی از آزمون دوربین واتسون استفاده شده است. آماره دوربین وانسون از یک توزیع آماری استاندارد از قبیل توزیع‌های F،t و یا X^2 تبعیت نمی کند. این آماره دو مقدار بحرانی دارد یکی مقدار بحرانی بالا و دیگری مقدار بحرانی پایین، همچنین یک ناحیه ی میانی وجود دارد، که فرضیه ی صفر مبتنی بر عدم وجود

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

خودهمبستگی ، نه می تواند رد شود و نه می تواند رد نشود. هنگامی که آماره ی دوربین واتسون بین مقدار بحرانی بالایی و ٤ منهای مقدار بحرانی بالایی قرار گیرد، فرضیه ی صفر رد نشده و خود همبستگی بین پسماندها معنی دار نخواهد شد.

در این تحقیق نیز برای بررسی این فرضیه از آزمون دوربین–واتسون استفاده شد. با توجه به آماره دوربین واتسون برای مدل و اینکه این آماره برای مدل نزدیک به ۲ می باشد همبستگی پسماندها را می توان رد نمود.

نتیجه گیری و پیشنهاد

فرض صفر آزمون t در مدل بیان می دارد که هموارسازی سود تاثیر معناداری بر کیفیت افشاء اطلاعات ندارد و انجام ازمون این فرضیه را در سطح ۹۵٪ رد می نماید که بیانگر تاثیر معنادار هموارسازی سود بر کیفیت افشاء اطلاعات می باشد. ضریب هموارسازی سود در مدل منفی می باشد، بنابراین افزایش هموارسازی سود توسط شرکت‌ها موجب می شود که کیفیت افشاء اطلاعات آن‌ها کاهش پیدا کند، به عبارتی شرکت‌هایی که هموارسازی انجام می دهند با افشاء کامل اطلاعات خود دیگر امکان هموارسازی سود را ندارند، لذا سعی در پنهان کردن اطلاعات مالی خود دارند تا بدین وسیله پیش نیاز هموارسازی سود که عدم افشاء اطلاعات می باشد را فراهم سازند.

افزایش کیفیت افشای اطلاعات موجب می شود که عدم تقارن اطلاعات بین سرمایه گذار و مدیران کاهش پیدا کند و سرمایه گذاران با اطلاعات کافی اقدام به سرمایه گذاری نمایند ولی طبق نتیجه تحقیق حاضر از آنجا که هموارسازی سود سبب می شود که کیفیت افشاء اطلاعات کاهش پیدا کند می‌توان بیان نمود که هموارسازی اطلاعات نیز یکی از عوامل بروز عدم تقارن اطلاعات می‌باشد.

همچنین نتایج نشان داد که شرکت‌های بزرگتر دارای کیفیت افشاء اطلاعات بالاتری می باشند، به عبارتی شرکت‌های بزرگ اطلاعات بیشتری در اختیار سرمایه گذاران قرار می دهند، با توجه به نتیجه ی گرفته شده در قسمت قبل که شرکت‌های بزرگ دارای بازدهی بیشتری می باشند می توان بیان نمود که در چنین شرکت‌هایی یکی از عوامل افزایش بازدهی می تواند کیفیت افشاء بالای اطلاعات باشد که سرمایه گذاران بیشتری را جذب می نماید.

به سرمایه گذاران توصیه می شود که به شاخص شفافیت صورت‌های مالی که توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران ارائه می شود توجه لازم را داشته باشند و تنها به هموار بودن سود شرکت ها توجه نکنند، چرا که ممکن است شرکت مورد نظر از تکنیک های هموارسازی استفاده نموده باشد و هموار بودن سود آن شرکت دوام زیادی نداشته باشد.

همچنین پیشنهاد می شود با توجه به نتایج منفی هموارسازی سود مراجع قانونی و استاندارد گذاری در تدوین قوانین و استانداردها برای پذیرش شرکت ها نتایج تحقیق حاضر را مدنظر دهند تا از گمراهی سرمایه گذاران جلوگیری شود.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

منابع

اشرف‌زاده، سیدحمیدرضا، مهرگان، نادر.(۱۳۸۷). اقتصاد سنجی پانل دیتا. تهران: موسسه تحقیقات و تعاون دانشگاه تهران.

پورحیدری، امید؛ افلاطونی، عباس، (۱۳۸۵)، بررسی انگیزه های هموارسازی سود در شرکت های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی های حسابداری و حسابرسی. (١٤)، ٢.

حیدری محسن، باقی سیدمهدی، نفر کیوان، (۱۳۹۱)، نقش کیفیت سود در افزایش نقدشوندگی سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، (۲۸)، ٤.

شریفی، محمدرضا، (۱۳۹۲)، " بررسی تاثیر هموارسازی بر ساختار سرمایه (اهرم مالی)"، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، (٢٦)، ٨.

Asuman, A. (2009), Detecting income smoothing behaviors of Turkish listed companies through empirical tests using discretionary accounting changes. Journal of Critical Perspectives on Accounting, 20,(5). 591-613.

Barth , M. Beaver,W. & W,landsman .(2008) . The relevance of the value relevance literature for financial accounting standard setting : another view. journal of accounting and economics.31 .77-104.

Brown, L. , K. Sivakumar, Valkin, T (2009). Comparing the quality of three earnings measures. Working Paper, Georgia State University.

Bushman,K. Chan,L. Jegadeesh , N. Lakinishok,J.(2004) ." earnings quality and stock returns", working paper university of Illinois at urbana –champaign-department of finance ,p23-32 .

Dascher, C.B. and Malcom, S.J. (1970), Differential information and security market equilibrium,The Journal of Financial and Quantitative Analysis, Vol. 20, 407-422.

Ellliot,I .Lafond ,R. Olsson,P .Schipper ,K. (2010), the market pricing of accruals quality ", journal of accounting and economics , Vol.12, No.4, pp.102-117 .

Feldenberg R.M,Tirol A. J(1995), Transparency, Financial Accounting Information,and Corporate Governance. FRBNY Economic Policy Review;vol. 9 pp.65-87.

Haily , M .Wallen ,M .(2007) ."insider trading , earning quality , and accrual mispricing " , the accounting review ,Vol.12,No.3 , pp.16-27 .

Hunton,S .Sloan ,R.Soliman ,M. Tuna , I .(2006) . " information in accruals about the quality of earnings" ,working paper university of Michigan business school , annarbor , p 45-68 .

Huang, N.,Barberies , M.Loaren,R, (2009) Mental accounting, loss aversion, and individual stock returns. Journal of Finance. 19. 25-47.

Mielke, C. W. and A. Giacomini, Y,R (1993), Voluntary Financial Disclosure by Mexican Corporation, The Accounting Review, Vol. 62, pp. 533-541

Nordin, D.W, Aren,R and Verrecchia, R.E. (2009), Disclosure, liquidity, and the cost of capital, The Journal of Finance, Vol. 46, pp. 1325-1359 Easley, D. and O'Hara, M. (2004), «Information and the cost of capital», Journal of Finance, Vol. 59, 1553-1584Owusu-Ansah (2000). Timeliness of Corporate Financial Reporting in Emerging

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

Capital Markets: Empirical Evidence from the Zimbawe Stock Exchange, Accounting and Business Research,Vol. 30, No. 3, pp. 241-254

Penny ,S. (2009). The economic implications of corporate financial reporting .Journal of Accounting and Economics. 40. 3-73.

Ping San,(2009). The economic implications of corporate financial reporting .Journal of Accounting and Economics; 40: 3-73.

Rowan, W.H. (2014), Perspectives on Recent Capital Market Research, The Accounting Review. 24. 453–74.

.

Rapaport. A swath,(1998),"DAMODARAN ON VALUATION:Security Analysis for Investment and Corporate Finance"John Wiley . New York.

Sharp, M. T (1996). Spontaneous Harmonization Effects of Culture and Market Forces on Accounting Disclosure Practice, Accounting Horizons,Vol. 10, No. 1, pp. 18-37.

Spinosa, A.(2007).” Do Transparency And Disclosure Predict Firm Performance?, Accounting Horizons, Vol. 16, No. 3, pp. 126-156

Stolvie, J.L. and Berton, U. (2001), Equilibrium pricing and portfolio composition in the presence of uncertain parameters, Journal of Financial Economics, Vol. 22, pp. 279-303.

Takor. (2005). Does Income Smoothing Improve Earnings Informativeness?. The International Journal of Accounting (May), pp. 91–113.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

شماره ۳۵، دوره سوم، سال پنجم، بهار ۱۴۰۱، صص ۱–۱۸

Investigating the effect of earnings smoothing on the quality of financial disclosure of companies listed on the Tehran Stock Exchange

Mahdi Khodashenas[1]

Abstract:

One of the forms of profit management is profit smoothing, which has attracted a lot of attention in the accounting literature. The earnings smoothing hypothesis suggests that earnings are deliberately manipulated to reduce fluctuations around what appears to be a normal level for a firm, and that managers use policies and methods within the accepted accounting principles to reduce the variance in reported earnings. Investors, on the other hand, rely on the financial information disclosed in the financial statements of entities, especially earnings, for their investment decisions, and their returns rely on the fact that the smoothing of profits can in the long run investor confidence in the company's financial statements and disclosed information. And the country's investment body will be hit hard. Therefore, it is important to study the effect of profit smoothing on the quality of disclosure of companies' financial information. Therefore, the purpose of this study is to investigate the effect of profit smoothing on the quality of disclosure of financial information of companies. To achieve this goal, the data of companies listed on the Tehran Stock Exchange during the period from 2009 to 2014 were used in the form of data panel regression model and the results showed that profit smoothing on the quality of financial information disclosure at the level 95% has a significant effect.

Keywords: quality of information disclosure, profit smoothing, profit management, data panel

[1] M.A, Department of Accounting, Khomein Branch, **Islamic Azad University**, Khomein, Iran (m_khodashenas@yahoo.com)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]